

دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی

علی‌رضا مهرافشان*

چکیده

عدالت قضایی در هر جامعه یک آرمان می‌باشد که افراد آن جامعه، همواره در راه استفاده از روشهایی هستند که به این هدف دست یابند. در این میان دادرسی الکترونیک و هر مفهوم جدیدی که به آن کمک نماید، می‌تواند مطلوب باشد. در این مقاله سعی بر آنست تا با تشریح معنای دادرسی الکترونیک در سه عنوان کلیات، حوزه‌های آن و در نهایت معایب و مزایا، راه برای طرح آن توسط سایر نویسندگان باز شود. در کلیات مفهوم، پیشینه، انواع و برخی مفاهیم اولیه بررسی می‌گردد تا راه برای فهم بخشهای بعد باز گردد. برای فهم اینکه در دنیا وقتی صحبت از دادرسی الکترونیک می‌شود چه عناوینی به ذهن متبادر می‌گردد، بخش دوم را طرح کرده ایم. در نهایت نیز چون هدف وارد نمودن این نوع از دادرسی در دادگاهها می‌باشد باید آن را مورد نقد قرار دهیم و معایب و مزایای آنرا چالش نماییم.

کلیدواژه: حقوق آمریکا، دادرسی الکترونیک، شهادت الکترونیک، پرونده‌های الکترونیک، مزایا، معایب

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه سمنان amehrafshan@yahoo.com

تاریخ وصول: ۹۰/۶/۱۲ - پذیرش نهایی: ۹۰/۱۲/۱۶

مقدمه

دستگاه قضایی به عنوان یکی از سه قوه محرکه هر کشور، دارای مخاطبانی است که انتظاراتی از آن برای برآورده نمودن نیازهای خود دارند. این مخاطبان، یعنی مردم چه آنهایی که در یک پرونده قضایی به صورت بالفعل درگیر می باشند یا آنهایی که از نتایج تصمیمات درست یا نادرست این دستگاه متأثر می باشند (چه در دادگاه پرونده داشته باشند یا نه) انتظار بهترین عملکرد را از دادگاهها دارند. در گذشته، روشهای سنتی رسیدگی قضایی از تشکیل پرونده تا مرحله اجرا، حاکم بود. امروزه پیشرفت تکنولوژی در همه ابعاد، رسیدگی قضایی سنتی را نیز تحت تاثیر قرار داده است. پرونده ها، الکترونیکی دسته بندی می شوند؛ رسیدگی به نحو مجازی می باشد و نحوه ارایه ادله الکترونیکی شده است. در این تحول، هدف برآوردن همان انتظارات مخاطبین بوده که آینده پیش رو، میزان مطلوبیت و مرتفع شدن انتظارات را به تصویر خواهد کشید. در این مقاله، مواردی از روشهای نوین دادرسی عنوان می شود و هدف این نیست که بیان شود رسیدگی مجازی خوب می باشد یا بد؛ زیرا دادرسی الکترونیک مطلب جدیدی است که نیاز به مقالات و مطالعات زیادی در کشورمان دارد. این مقاله شروعی برای این مطالعات می باشد و خواسته ایم تا برخی مفاهیمی را که در این حوزه وجود دارد را شرح دهیم. از آنجا که ایالات متحده آمریکا در این مسیر پیشگام بوده؛ در این تحقیق قوانین آن کشور و نظراتی که نویسندگان آمریکایی بیان نموده اند، بررسی می گردد و به همین دلیل به جهت خلا تقنینی کشورمان، مطالب زیادی نمی توان در مورد حقوق ایران بیان نمود. هرچند در برخی موارد گریزی به حقوق ایران نیز زده شده است؛ ولی بیشتر هدف اینست که با نگاشتن این مقاله و سایر مقالات، سنگ بنای دادرسی الکترونیک در حقوق ایران به نحو تئوریک گذاشته شود.

بخش اول. مفهوم، پیشینه، انواع و برخی مفاهیم اولیه

در این بخش سعی بر آنست تا کلیاتی راجع به دادرسی الکترونیک ذکر گردد تا در بخشهای بعد که به مطالب جزئی تر پرداخته می شود، مفهوم مبهمی باقی نمانده باشد.

۱. مفهوم دادرسی الکترونیک

این مفهوم از دو جزء ترکیب یافته که در یک جزء آن دادرسی (که خود به دو نوع کیفری و مدنی تقسیم می شود) و در جزء دیگر آن الکترونیک یا مجازی نهفته است. مفهوم

دادرسی که مرتبط با مباحث شکلی علم حقوق می باشد، شامل مواردی مانند ادله، رسیدگی مقدماتی، صدور کیفرخواست، صدور قرار تأمین، صدور حکم، تجدیدنظر خواهی، معامله اتهام،^۱ سوالات متقابل^۲ و اقرار به جرم^۳ است. انجام هر کدام از این مراحل اگر به واسطه ابزارها و امکانات تکنولوژیک مانند صفحه نمایشگر، ضبط صوت، اینترنت و ... صورت پذیرد؛ به معنی مجازی شدن دادرسی است. برای مثال سابقاً پرونده ها در کاغذ به طور فیزیکی و ملموس، ثبت می شدند، ولی در حال حاضر با استفاده از کامپیوتر، فایل‌های الکترونیکی^۴ مطرح شده که هم کم حجم تر و هم از جهت امکان از بین رفتن، امن تر می باشند. برخی با به کارگیری لفظ «اطلاعات» گفته اند منظور از دادرسی مجازی، الکترونیکی شدن انتقال اطلاعاتی است که در محیط دادگاه وجود دارد و این اطلاعات می تواند شامل ادله، دستورات (قرار یا حکم) دادگاه، تصمیم هیأت منصفه، اقراریه متهم، اظهارات شاهد و ... باشد. (The Road to the Virtual Courtroom, Lederer/801 به عبارتی دیگر در دنیای امروز به دلیل مطرح شدن بحث مدیریت اطلاعات،^۵ مفهوم دادرسی مجازی^۶ نیز طرح گردید؛ زیرا در دادرسی مجازی نیز به نوعی «اطلاعات» مورد تبادل در نظام عدالت قضایی، تحت مدیریت قرار می گیرد. (Ibid/803) البته گاهی اوقات مفهوم دادرسی الکترونیک از آنچه ذکر شد عام تر می شود؛ مثلاً تأسیس کتابخانه های حقوقی مجازی که به انتشار مقالات و حتی خلاصه آراء می پردازند و به نوعی در نظام کامن لا که مبتنی بر رویه می باشد؛ به امکان دسترسی و کلا و قضات به پرونده ها کمک می کنند، خود نوعی مرتبط با مفهوم دادرسی الکترونیک می باشد که بهتر است عنوان اخیر را بهبود دهنده و ارتقاء دهنده^۷ مفهوم دادرسی الکترونیک بدانیم و نه جزئی از آن.

¹-Plea Bargaining

²-Cross Examination.

³-Guilty Pleas

⁴-E- Filing

⁵-Information Management

^۶- در مقابل لفظ «مجازی» در حقوق خارجی گاهی از کلمه «cyber» و گاهی از کلمه «virtual» استفاده شده است که هر دو به یک معنی می باشد. برای کلمه cyber می توان به منبع مقابل اشاره کرد:

Stanfield, Alison, cyber court: using the internet to assist court processes, vol 8, journal of law and information science, 1997.

^۷- از جمله این سایتها و کتابخانه های مجازی می توان به سایت Westlaw , Heinonline.Org اشاره کرد.

۲. پیشینه

برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ روش کنفرانس ویدئویی برای جلسه تعیین قرار در دادگاه ایلونز مطرح شد. متعاقباً دادگاه فیلادلفیا روش تلویزیون مدار بسته را در سال ۱۹۷۴ برای جلسه مقدماتی دادگاه به کار گرفت. دادگاه فلوریدا در سال ۱۹۸۳ این روش را برای جرایم جنحه ای به کار برد. (Videoconferencing in Immigration Proceeding, Haas/62) اولین قوانین مرتبط با این امر نیز در سال ۱۹۹۵ با تصویب قانون اصلاح دعاوی مرتبط با حبس ۱ مطرح گشت. به موجب این قانون امکان طرح دعاوی افراد زندانی (بازداشتی) از طریق تلفن، ویدئو کنفرانس یا سایر تکنولوژیها، بدون انتقال فرد از زندان به دادگاه عنوان شد. در سال ۱۹۹۶ امکان طرح ویدئو کنفرانس در دعاوی مدنی به میان آمد. در سال ۲۰۰۱ قانونی وضع شد تا امکان انجام ویدئو کنفرانس فقط در برخی جرایم وجود داشته باشد. (Videoconferencing in Criminal Proceedings, Treadway, and Wiggins/213) با ملاحظه این تاریخچه به قدمت و قوت این نظام حقوقی پی می بریم و اینکه آینده حقوق ایران در بحث دادرسی الکترونیک باید تحت تاثیر تجربیات چنین کشورهایی باشد. سابقه نسبتاً زیاد این کشور در دادرسی الکترونیک، باعث شده تا امروزه به شکل کارآمدتری با این موضوع برخورد نمایند؛ کما اینکه هر کشوری وقتی در یک موضوع دارای پیشگامی و سابقه بیشتر است، دارای موفقیت بیشتری نیز می باشد.

۳. انواع دادرسی الکترونیک

دادرسی الکترونیک می تواند در موضوعات کیفری یا مدنی ارایه گردد. در حوزه کیفری که در این مقاله در بخشهای بعد بیشتر به آن پرداخته می شود؛ می تواند موضوعاتی مانند شهادت الکترونیکی برای اثبات جرم و رسیدگی به اتهام از طریق ویدئو کنفرانس باشد. در شهادت الکترونیکی موضوعاتی از قبیل رعایت شرط مواجهه، موارد استثنای عدم رعایت شرط مواجهه و موضوعاتی از این قبیل مطرح است. در رسیدگی به اتهام از طریق ویدئو کنفرانس نیز به اتهام متهم از راه دور به واسطه صفحه نمایشگر، رسیدگی می گردد. در دادرسی مدنی که یک نمونه آن در ایالات متحده در دادگاه میشیگان مطرح گردیده؛ موضوعاتی مانند دادرسی تجاری، مورد رسیدگی است. دادگاه میشیگان به صورت

¹-Prison Litigation Reform Act of 1995

آزمایشی اجرا شد تا نظر شهود، قضات، هیات منصفه و طرفین دعوا کسب شود (the Michigan cyber court, ponte/56) در این دادگاه موضوعات جزایی، شبه جرم، استخدام و مانند آن مورد رسیدگی قرار نمی گیرد. (ibid/60) همانند دادگاههای الکترونیک جزایی در این نوع از دادگاهها معمولا مشکلاتی پیش آمده که توسعه آنها را با مشکلاتی مواجه کرده: ۱. ریسک پذیر بودن استفاده از دادگاهی که تا کنون فردی از آن استفاده نکرده ۲. ناآگاهی از هزینه های این دادگاه ۳. ناآگاهی از نحوه استفاده این دادگاه. (Ibid/75).

در دادرسی مدنی الکترونیکی، چون نتیجه امر و اشتباهات موجود در آن منجر به سلب آزادیهای اولیه ای مانند حبس یا انواع مجازاتها نمی شود؛ حساسیتهایی که در امور کیفری پیش می آید؛ در اینجا عنوان نمی گردد. شرط مواجهه یا اشتباه در تعیین نوع قرار تامین که در دادرسی جزایی الکترونیک پیش می آید؛ در اینجا مطرح نیست. اشتباهات مطرح شده در امور مدنی، برگشت پذیر تر از امور کیفری هستند؛ به همین جهت گرایش به سمت الکترونیکی کردن دادگاهها در امور مدنی نسبت به امور کیفری با حساسیت کمتری همراه هست. حداکثر اینکه برخی نویسندگان گفته اند که در دادگاهی مانند میشیگان، بیشتر باید جنبه داورى مطرح گردد تا صدور حکم (Ibid/83).

۴. اجباری یا اختیاری بودن

از آنجا که پذیرش دادگاه الکترونیک اولاً هزینه هایی برای افراد همراه دارد و ثانیاً بستگی به میزان آگاهی فرد از نحوه کارکرد این دادگاهها دارد، شاید در برخی موارد تحمیل یک جنبه این دادگاهها بر افراد کار درستی نباشد. این موضوع به این بستگی دارد که ما به یک موضوع کیفری رسیدگی می نماییم یا مدنی. در موضوعات کیفری چون جنبه عمومی قضیه قوی تر است، نمی توان این دادگاه را اختیاری دانست؛ یعنی نمی توان از طرفین دعوا سوال نمود که قواعد دادگاه الکترونیک بر آنها حاکم شود یا دادگاه معمولی. پس اگر در این دادگاهها قرار بر اینست که به اتهام متهمی که در زندان است از طریق صفحه نمایشگر رسیدگی شود؛ شاکی دعوا نمی تواند اعتراض کند.

در مقابل در دعاوی مدنی که یک نمونه آن در میشیگان اجرا شده؛ این امر مورد پذیرش است. در این دادگاه در عرض چهارده روز از ثبت دعوا، از طرفین سوال می شود که آیا می خواهند دادرسی الکترونیک حاکم باشد یا نه؟ اگر هر دو طرف، دادرسی الکترونیک را پذیرفتند؛ قواعد آن بر آنها حاکم می شود که از جمله آنها تشکیل پرونده الکترونیک در اینترنت و پر کردن تمام اوراق دعاوی از طریق اینترنت می باشد. (Ibid/61) البته وضعیت

اخیر (اختیاری بودن دادگاه) مرتبط با زمانی است که دادرسی الکترونیک و وجود دادگاههای کاملاً الکترونیک، تازه در حال شکل گیری بوده است؛ این روند با توسعه دادگاههای الکترونیک حداقل در برخی ابعاد، حتی در دعاوی مدنی به سمت اجباری بودن پیش می رود. نمونه آن در پرونده های الکترونیک می باشد که امروزه در اکثر دادگاههای آمریکا به طور الکترونیکی می باشد.

۵. ملزومات دادرسی الکترونیک

در دادرسی سنتی، نیازی به امکانات و ابزار نیست به همین دلیل پیچیدگی خاصی در اجرای دادرسی وجود ندارد ولی در دادرسی الکترونیک به جهت مطرح شدن یک سری امکانات، روشهایی برای استفاده و نگهداری آنها وجود دارد که می آید:

۱. در مرحله اول نیاز است تا ساختار فیزیکی دادگاه طوری طراحی شود که بتوان امکانات الکترونیک را در آنها نصب نمود و دادگاه طوری باید باشد که دستگاههای الکترونیک به خوبی بتوانند مورد استفاده قرار گیرند؛ بخصوص از جهت وسعت یا کوچکی اتاق دادگاه، به نحوی که مانیتورها بتوانند حاضران در دادرسی را پوشش دهند.^۱

۲. در مرحله دوم بحث نصب امکانات الکترونیک می باشد؛ یعنی علاوه بر در نظر گرفتن فضای اطاق و دادگاه که از نظر معماری باید مناسب باشد، باید امکانات نیز طوری نصب گردند که تمام زوایا را در نظر بگیرند.^۲

۳. مرحله سوم راه اندازی این سیستم ها می باشد که توسط اهل فن و تخصص صورت می گیرد و باید این مرحله طوری اجرا گردد که در حین دادرسی خللی بوجود نیاید.^۳

۴. در مرحله چهارم این مساله مطرح است که بالاخره افرادی که می خواهند از این سیستم ها استفاده کنند از جمله قاضی، هیات منصفه و طرفین دعوا، باید آموزش کافی دیده باشند.^۴ مثلاً می توان سمینارهایی را برای آگاهی قضات و مقامات دادگاه از این نوع دادرسی پیشنهاد نمود. البته به نظر می رسد باید این آموزشها از دانشکده های حقوق شروع شده و با گنجاندن یک واحد درسی در درس، از قبل آگاهی کافی بوجود آمده باشد.

^۱-Courtroom specific design

^۲-Instalation

^۳-Operation

^۴-Training

۵. در مرحله آخر، نگهداری^۱ این سیستم ها مطرح است و اینکه برای استفاده شایسته، همواره باید آماده و مجهز باشند و افراد متخصصی آنها را بازبینی نمایند. (Lederer, op cit/830-831)

این پنج مرحله به آن معناست که دادرسی الکترونیک علاوه بر سنتی که فقط فرد انسانی (همه شرکت کنندگان در دادرسی) در آن مطرح بود؛ در اینجا علاوه بر فرد انسانی، با ابزارها و امکاناتی روبرو هستیم که بر این فرد انسانی چه مقامات دادگاه باشد و چه شاکی تاثیر می گذارد. به همین منظور برای اینکه این تاثیرگذاری مثبت باشد، بهتر است در به کارگیری آن پنج مرحله دقت شود.

بخش دوم: حوزه های دادرسی الکترونیک

امروزه در دنیا وقتی صحبت از دادرسی الکترونیک می شود، حوزه های مختلفی مطرح است که ما در این مقاله به سه حوزه مهم آن می پردازیم.

۱. شهادت مجازی

شهادتی که در آن فرد در دادگاه حضور فیزیکی نداشته باشد، مجازی می باشد. خود به سه روش قابل ارایه است که عبارتند از شهادت از طریق صفحه نمایشگر، نوار ویدئویی و کنفرانس تلفنی که ذیلا توضیح آنها ذکر می گردد.

۱-۱- شهادت از طریق صفحه نمایشگر (ویدئوکنفرانس)

شیوه ای است که به موجب آن در یک طرف در خارج از دادگاه، شاهد قرار دارد که یک صفحه نمایشگر و میکروفن جلوی او وجود دارد و شرکت کنندگان در دادرسی را می بیند و در طرف دیگر قاضی و هیأت منصفه می باشند که به همراه دادستان و وکیل متهم و متهم در دادگاه حاضر شده و چهره شاهد را از طریق صفحه نمایشگر می بینند و هر دو طرف می تواند به تعامل و گفتگو بپردازند.

۱-۲- نوار ویدئویی^۲

^۱-Maintenance

^۲-Videotape

این روش اصولاً برای ارائه ادله ای به کار می رود که بخصوص مرتبط با شهادت می باشند و در مورد متهمین کاربردی ندارد. یعنی گاهی بنا به دلایلی که خواهد آمد، حضور شاهد با مشکل مواجه است؛ پس شهادت ویدئویی ارائه می شود. باید توجه داشت که در این روش شاهد، صدا و تصویرش ضبط شده و برخلاف شهادت کنفرانسی، پخش غیر زنده می باشد. از نظر حقوقی این روش به جهت ایراداتی که شهادت کتبی^۱ داشت؛ مطرح شد. در شهادت کتبی فقط نوشته و کلمه وجود دارد؛ درحالیکه در شهادت ویدئویی، حرکات فیزیکی، وضعیت صورت (خوشحالی، ناراحتی، عصبی بودن، استرس و ...) نیز دیده می شود که همه اینها می تواند در دادرسی تأثیرگذار باشد و صحت و سقم شهادت را برساند. اینها می تواند در دادرسی تأثیرگذار باشد و صحت و سقم شهادت را برساند. (Videotaped Trial Court Proceeding, Salamone/1592). نوار ویدئویی به عنوان یکی از روشهای اثباتی می باشد که در حقوق کامن لا استثنایی بر شهادت بر شهادت می باشد. به عبارت دیگر در حقوق کامن لا شهادت دست دوم^۲ (نقل و قول شده) مورد پذیرش نیست مگر در این حالت، آن هم به شرطی که واقعا به شاهد دسترسی نباشد.^۳

۱-۳ کنفرانس تلفنی

این روش هم در مورد متهم و هم در مورد شاهد، قابل طرح می باشد. در این روش دادگاه به صورت زنده با شاهد یا متهم تماس تلفنی برقرار می کند و به دعوا و شهادت از طریق تلفن رسیدگی می کند. صدای وی برای حضار دادگاه پخش می شود؛ ولی تصویری در آن رؤیت نمی گردد. همانطور که گفته شده، دارای مزایایی است از جمله اینکه هزینه های رفت آمد را از بین می برد، احتمال لغو جلسه دادرسی به جهت بدی آب و هوا و ... (به دلیل عدم حضور

^۱-Transcript Testimony

2-Hearsay Evidence

۳- گاه شاهد، مستقیماً واقعه را ندیده و نشنیده، ولی از فردی که شاهد امر بوده، نسبت به وقوع آن اطلاع یافته است. به عبارت دیگر مشهوداً به خود شهادت دیگری است، که اصطلاحاً شهادت فرع یا شهادت بر شهادت می نامند. رک: جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۹۸. شهادت بر شهادت از نظر فقهی فقط در حقوق الناس قابل اجراست. در لمعه آمده « و محلها حقوق الناس کافه سواء کانت عقوبه کالقصاص، او غیر عقوبه ... » رک: شهید اول، اللمعه الدمشقیه، نشر یلدا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۸۵. برای درک بهتر مفهوم شهادت بر شهادت در حقوق انگلیس رک: قرجه‌لو، علیرضا، شهادت بر شهادت در حقوق کیفری ایران و انگلیس، مجله دانشگاه رضوی، انتشارات موسسه فرهنگی قدس، شماره ۲۸، سال هشتم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۷۹-۷۵.

شاهد یا متهم) از بین می رود و مزایای دیگری که موجب شده از سال ۱۹۸۳ در آمریکا برای اولین بار در دادگاه تجدیدنظر مینوستا مطرح گردد. تا سال ۱۹۹۳ بیش از دو هزار پرونده در این دادگاه، به این روش استماع شد که از هدر رفتن ۱۲۰ روز جلوگیری نمود. (Minnesota Court of Appeals Hears Oral Argument via Interactive Teleconferencing Technology, Toussaint/396) در سال ۱۹۸۹ پرونده ای^۱ که اتهام فرد به طور تلفنی رسیدگی می شد، حکم اخراج یک متهم مهاجر صادر شد. (Haas, Op Cit/80) شیوع استفاده از آن نسبت به ویدئو کنفرانس کمتر است ولی در کشوری مانند آمریکا که در آن تنوع استفاده از روشهای مختلف در دادرسی بالا است؛ مورد استفاده قرار گرفته است. اینکه دقیقا در چه دعوی کاربرد داشته، مستلزم یک تحقیق مجزا است ولی از نظر ایرادات، همان ایراداتیکه به ویدئو کنفرانس وارد است در اینجا به طریق اولی می توان وارد نمود. مهمترین ایراد عدم رعایت شرط مواجهه است که متعاقبا می آید.

۲. اتهام کنفرانسی

در این عنوان با استفاده از همان امکاناتی که در شهادت کنفرانسی گفته شد، به دعوی متهم رسیدگی می شود. یعنی بنا به دلایلی، امکان حضور متهم در دادگاه نیست؛ به همین منظور، متهم به طور مجازی از طریق صفحه نمایشگر در دادگاه حاضر می شود؛ در حالیکه به طور فیزیکی در زندان حضور دارد. در مورد اتهام کنفرانسی برخی نویسندگان بحث را جزئی تر نموده اند و رسیدگی به اتهامات مهاجرین را به طور خاص از رسیدگی به اتهامات همه افراد (از راه دور) جدا کرده اند. برای مثال اینکه آیا می توان جرایم انجام گرفته توسط مهاجرین را از راه دور بررسی نمود و حکم اخراج آنها را غیر حضوری صادر نمود؛ خود موضوع جداگانه ای است. (Ibid/60) در مورد نام گذاری این دو عبارت (شهادت کنفرانسی و رسیدگی به اتهام کنفرانسی) در منابع حقوقی هر دو عنوان تحت قالب ویدئو کنفرانس مطرح شده اند که به طور دقیق تر یکی «شهادت از راه دور»^۲ و دیگری «رسیدگی به اتهام متهم، از راه دور»^۳ نامیده می شوند.

^۱-Purba v. INS

^۲-Remote Testimony

^۳-Remote Defendant

۳. پرونده های الکترونیکی^۱

با شروع روند جایگزینی دادرسی الکترونیکی به جای دادرسی سنتی، حوزه های مختلفی تحت تاثیر قرار گرفته اند که از جمله آنها پرونده های نظام قضایی می باشد. حجیم بودن و بسیاری مشکلات دیگر که در جای خود در بخشهای بعد بررسی می شود؛ منجر به این شد تا پرونده های الکترونیک مطرح گردد.

در این خصوص قبل از اینکه بحث پرونده الکترونیکی مطرح باشد؛ موضوع ثبت جریان دادگاه^۲ مطرح است که قسمتی از محتویات پرونده می باشد. جریان دادگاه توسط منشی ثبت و سپس به فایل های الکترونیکی تبدیل شده و در اینترنت قرار می گیرد. این ثبت شامل اظهارات قاضی، طرفین دعوا، وکلا، دادستان و شهود و سایر افرادی است که در دادرسی قرار دارند. ثبت جریان دادگاه که متعاقبا به صورت فایل و پرونده الکترونیکی در می آید؛ می تواند به دو نحو صورت گیرد. در یک روش، ثبت ویدئویی یا بصری مطرح است که از جریان دادگاه فیلمبرداری می شود که در حال حاضر به غیر از ایالت کنتاکی، سایر ایالتها، آن را نپذیرفته اند. در روش دیگر ثبت سمعی^۳ قرار دارد که در آن جریان دادگاه علاوه بر اینکه توسط منشی دادگاه خلاصه نویسی^۴ می شود؛ توسط وسایل ضبط صوت، ضبط نیز می شود. لازم به ذکر است که ثبت الکترونیکی نیز، به دو شاخه دیگر تقسیم بندی می شود. یک نوع از ثبت می تواند آنالوگ و نوع دیگر آن دیجیتال باشد.^۵ در ضمن، پرونده الکترونیکی، می تواند دو گونه محتوی داشته باشد. گاهی محتوای آن، همان چیزهایی است که در جریان دادگاه توسط امکانات الکترونیکی ثبت شده و در فایل های کامپیوتری قرار گرفته، گاهی نیز محتوای آن، چیزهایی است که پیش از شروع جلسه دادگاه ثبت شده است. برای مثال ممکن است به جهت قرار داشتن شاهد در بیمارستان، شهادت وی، قبل از شروع دادرسی اخذ شده و

1-Electronic Filing

2-Electronic Recording

3-Audio Recording

4-Stenographic

۵- سیگنال دیجیتال، سیگنالی است که هم از نظر زمان رخداد و هم از نظر مقدار در بازه خاصی محدود شده باشد. سیگنال دیجیتال در مقابل سیگنال آنالوگ تعریف می شود، که در آن حدودی برای پارامترهای فوق الذکر تعریف نمی شود. سیگنال دیجیتال از نظر ریاضی سیگنالی است که فقط از صفرها و یک های منطقی تشکیل شده باشد. این یک و صفرها ممکن است به شیوه های مختلفی نشان داده شوند که به این شیوه،

کدینگ سیگنال گویند. به نقل از: <http://fa.wikipedia.org>

در پرونده الکترونیکی گنجانده شود. (Lederer, op cit /808-811) با این توضیحات، معلوم می شود که شاخص ترین تغییری که در زمینه تبدیل دادرسی سنتی به دادرسی الکترونیک صورت گرفته در همین بعد می باشد؛ زیرا پرونده ها یکی از مهمترین اجزایی هستند که در هر دادرسی وجود دارد. نگهداری، جلوگیری از مخدوش شدن و ارایه آنها در مواقع لزوم، همه از مواردی هستند که با الکترونیکی شدن دادرسی به نحو مطلوب تری صورت می گیرند.

۴. سایر موارد

در این قسمت نیز می توان مواردی را آورد که هرچند نسبت به موارد پیشین در درجه فرعی تری قرار می گیرند ولی در جای خود دارای اهمیت هستند. نمونه آن ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات است که به منظور تسریع دادرسی می تواند به صورت الکترونیکی انجام گردد. انجام الکترونیکی این موارد، با اصول خاصی در دادرسی در تعارض نمی باشند؛ زیرا هدف آگاهی طرفین دعوا از تصمیمات دادگاه می باشد که از طریق فوق نیز قابل حصول است. چه بسا احتمال رسیدن تصمیم دادگاه به اطلاع طرفین، در این روش یقینی تر نیز می باشد؛ زیرا در روش سنتی ممکن بود آدرس فرد یافت نشود یا مامور ابلاغ در انجام وظیفه کوتاهی کند که این ایرادات در روش الکترونیکی وجود ندارد. برای تشریح امر می توانیم به یک نمونه از مواردی که در قانون گذارهای کشور ایران صورت گرفته اشاره کنیم. آیین نامه شوراهای حل اختلاف که در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۶ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضاییه رسید در شماره ۱۸۶۷۰ مورخ یکشنبه ۸۸/۱/۲۳ روزنامه رسمی کشور درج و منتشر گردید. در ماده ۳۵ این مقرر آمده: «ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات شورا حسب مورد به صورت کتبی، نامه های الکترونیکی، تماس تلفنی، ارسال پیام کوتاه و مانند آن انجام خواهد شد؛ به نحوی که برای اعضاء یا قاضی شورا اطمینان حاصل شود مخاطب از موضوع ابلاغ مطلع گردیده والا باید کتباً انجام شود». این ماده گامی به پیش در نظام حقوقی ایران می باشد که می تواند شروعی برای سایر سطوحی باشد که در دیگر کشور ها تحقق پیدا کرده است. البته این امر مستلزم اینست که ما با نظم در ارسال چنین اوراقی، اطمینان مخاطبین دستگاه قضایی را به استفاده از دادرسی الکترونیک افزایش دهیم.

بخش سوم: معایب و مزایای دادرسی الکترونیک

از نظر نگارنده به غیر از کلیات و حوزه های دادرسی الکترونیک که دارای اهمیت خاصی بوده و در دو بخش قبل به آن اشاره شد؛ یک موضوع دیگر نیز قابل ذکر است که

علت آن نیز اشاره ای می باشد که توسط اکثر نویسندگان این حوزه، به این دو موضوع شده و در ضمن حساسیتی که دادگاهها در این خصوص در پذیرش یا رد دادرسی الکترونیک داشته اند.^۱ این موضوع، معایب و مزایایی است که دادرسی الکترونیک دارد و در بخش آتی به آن اشاره می گردد.

۱. معایب

در بحث معایب، گاهی عیوب مرتبط با اصول دادرسی، گاهی مرتبط با دادرسی غیر حضوری و در نهایت برخی عیوب مرتبط با مسایل امنیتی می باشد. در دسته اول و دوم (به غیر از بحث عدم رعایت اصل علنی بودن دادرسی) عیب دادرسی الکترونیک غالباً در حالتی است که از ویدئوکنفرانس استفاده می شود. در حالت سوم نیز اشکالاتی در رابطه با به کارگیری پرونده های الکترونیک وجود دارد.

۱-۱- در تعارض با اصول دادرسی

مهمترین اصولی که در این چالش وجود دارند، اصل مواجهه شهود و متهمین و اصل علنی بودن دادرسی می باشد که مورد اول در حقوق ما کمرنگ تر و مورد دوم دقیقتر مورد اشاره قرار گرفته است. یعنی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران همانگونه که خواهد آمد؛ بحث مواجهه، مفصل و کامل نیست و به همین جهت ضرورت ذکر حقوق آمریکا در این بعد به منظور اقتباس وجود دارد.

۱-۱-۱. شرط مواجهه

از نظر علم روانشناسی دیدن چهره شاهد توسط متهم از نزدیک دارای آثاری است؛ از جمله این که به راحتی می توان استرس روانی شاهد، حرکات صورت، حرکات دست، لرزش صدا و مانند آن را به وضوح مشاهده نمود و احتمال دروغ یا صدق حرفهای شاهد را فهمید. این امر در شهادت، با حضور فیزیکی بیشتر محقق است. در خصوص اهمیت رعایت شرط مواجهه در حقوق رومی ژرمنی آمده: «این روش حقوق رومی _ ژرمنی نیست که کسی را به

۱- یعنی در بسیاری موارد، دادگاهها به جهت وجود یکی از همین معایب، دادرسی الکترونیک را نپذیرفته اند و گاهی به جهت یکی از مزایای آن را پذیرفته اند.

کام مرگ بسپارند، قبل از اینکه متهم با شاکی چهره به چهره شود و نسبت به اتهام وارده پاسخ دهد». مواجهه شاهد و متهم به عنوان یک اصل می باشد که مفهوم شاکی در حقوق رومی-ژرمنی بعدها به شاهد نیز تسری پیدا کرد. (Testimony, Friedman/697) Remote). به موجب قانون اساسی آمریکا^۱ یکی از اصول دادرسی، رعایت شرط مواجهه شاهد و متهم می باشد.^۲ این شرط در قوانین عادی آمریکا تفسیر شده که فقط در برخی از موارد استثنایی، مواجهه فیزیکی نیاز نیست.^۳ البته صرف مواجهه شاهد و متهم مطرح نیست؛ بلکه در تفسیری که توسط حقوقدانان صورت گرفته، به طور ضمنی مواجهه شاهد و مقامات دادگاه (قاضی و هیات منصفه) نیز قابل طرح است.

در خصوص مواجهه در مقابل متهم، باید گفت که در هر فردی سه شاخص قابل بررسی است: صورت، بدن، صدا. رخنه پذیرترین این شاخصها صدا می باشد. پس احتمال بالاتری وجود دارد وقتی فرد دروغ می گوید، در صدایش این را دریابیم. در مقابل، اعضای بدن قابل کنترل تر است؛ یعنی کمتر می توان از حرکات بدن شاهد، دروغ وی را فهمید و «صورت» بین این دو شاخص قرار دارد. حرکت چشم، حرکت بدن و نداشتن تمرکز در نگاه کردن به یک نفر و مانند آن، نشانگر دروغ و فریب نیست. افراد دروغگو معمولاً چون می دانند که دیگران نسبت به حرکات بدنی آنها حساس هستند؛ از حرکات بدنی پرهیز می کنند. به همین جهت تمرکز هیات منصفه بر روی حرکات صورت و بدن برای فهم دروغگویی، بی فایده است و باید بر صدای فرد تمرکز کند. (Laissez-Faire Videoconferencing, Roth/207-208) اما باید توجه داشت که صدای لرزان و فاقد کنترل که ناشی از دروغگویی می باشد در چه زمانی ایجاد می شود؟ مسلماً وقتی شاهد با متهم چهره به چهره

۱- به موجب اصل ۶ اصلاحی قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (sixth amendment) رعایت شرط مواجهه ضروری است:

"In all Criminal Prosecutions, the Accused Shall Enjoy the Right ...to be Confronted with the Witnesses Against him"

۲- شرط مواجهه دارای آنچنان جزئیاتی است که در پرونده ای در دادگاههای آمریکا در مورد شهادت یک زن مسلمان دارای «روبنده» این سوال مطرح شد که در صورت دادن شهادت از زیر «روبنده»، آیا شرط مواجهه نقض شده است؟ رک:

Brian, Murray, Confronting Religion: Veiled Muslim Witnesses and the Confrontation Clause, Vol 85, Notre Dame Law Review, 2009-2010, pp 1728-1729.

۳- این موارد استثنایی در بحث مزایا خواهد آمد.

است این حالت بیشتر پیش می آید و با وجود ویدئو کنفرانس، شاهد راحت تر دروغ می گوید و هیات منصفه و قاضی راحت تر به گفته های شاهد یقین پیدا می کنند. با این وصف ضرورت مواجهه شاهد و متهم آشکار می گردد؛ زیرا مواجهه این دو، نتیجه اش در تصمیم اتخاذی توسط هیات منصفه و قاضی معین می گردد.

در خصوص مواجهه در مقابل مقامات دادگاه (قاضی و هیات منصفه) نیز ابتدا همان بحث علمی مطرح است؛ یعنی حرکات صورت از نظر علمی بررسی شده؛ برای مثال تحقیقات نشان داده که هشت وضعیت برای ابرو و پیشانی، هفده وضعیت برای چشم و پلک و چهل و پنج وضعیت برای پائین تر از پلک و چشم وجود دارد که هر کدام نمایانگر یکی از احساسات می باشد. (Bodily communication, Argyle/31-122) حال با این اوصاف تصور کنید که یک حرکت ظریف در صورت می تواند چه نشانه هایی را از خود بروز دهد و چه تأثیری بر دید حضار داشته باشد. چه بسا برخی از این حالات در ویدئو کنفرانس به وضوح درک نشوند و تصمیم قاضی با خطا همراه شود. به عبارت دیگر قاضی و هیات منصفه با دیدن چهره شاهد در هنگام شهادت، بهتر می توانند در مورد صحت و سقم حرفهای شاهد تصمیم گیری کنند و این امر در شهادت حضوری (چهره به چهره) بیشتر میسر است.

یکی از موضوعاتی که می توان مورد توجه قرار داد اینست که آیا شهادت از طریق ویدئو کنفرانس، شهادت عندالحاکم را مخدوش می کند یا نه؟ پاسگویی به این سوال مستلزم اینست که ما برای شهادت عند الحاکم موضوعیت قایل شویم یا طریقت. اگر قایل باشیم که هدف اجرای هرچه بیشتر یک دادرسی عادلانه است؛ فرقی ندارد که این شهادت با حضور فیزیکی باشد یا مجازی. این امر مشروط بر اینست که دادرسی مجازی مانع این نباشد که هویت شاهد محرز نگردد و امکان گفتگو و سوال و جواب بین شاهد و دادگاه مقدور باشد. بنابراین با طریقت قایل شدن به این موضوع، مشکل حل است.

در آخر پیشنهاد می شود برای رفع ایراد مرتبط با شرط مواجهه، جرایم را به دو درجه مهم و غیرمهم تقسیم نماییم. در مورد جرایم دسته اول مانند قتل تا آنجا که امکان دارد از ویدئو کنفرانس استفاده نشود؛ به جز در مواردی که شاهد یک تبعه خارجی است و امکان دادن ویزا و ورود مجدد آن به کشور محل وقوع جرم وجود ندارد. در مورد جرایم غیر مهم نیز مانند سرقتهای ساده و غیر مشدد می توانیم از ویدئو کنفرانس استفاده کنیم مشروط بر اینکه تکنولوژی به کار رفته در آن در حدی باشد که ایرادات مرتبط با دادرسی غیر حضوری کمتر

به چشم بیاید. برای مثال وضوح تصویر در حدی باشد که قاضی بتواند حالت‌های روانی و رفتاری فرد قرار گرفته در پشت دوربین را درک کند.

۱-۱-۲. اصل علنی بودن دادرسی

سوالی که مطرح می‌شود اینست که با وجود دادرسی الکترونیک، آیا باز هم شرط علنی بودن دادرسی رعایت می‌شود. در وضعیتی که در عین الکترونیکی بودن دادگاه، مردم نیز آزادانه می‌توانند در محیط دادگاه حضور فیزیکی داشته باشند؛ مشکلی برای این اصل ایجاد نشده است. مشکل در جایی است که در دادگاه‌های الکترونیک، حضور مردم با ممنوعیت مواجه شود و آنها فقط بتوانند از طریق اینترنت جلسه دادگاه را به طور همزمان مشاهده کنند. ظاهراً در این حالت اخیر نیز، اصل علنی بودن رعایت شده، ولی در واقع به نظر می‌رسد اینگونه نیست. یعنی با حضور فیزیکی افراد در دادگاه؛ نوعی فشار عمومی ملموس و محسوس بر مقامات دادگاه وارد است؛ تا به نوعی از خودرایی آنها جلوگیری شود. به همین نحو؛ این فشار عمومی ناشی از حضور فیزیکی (که در حضور اینترنتی کمتر است) بر شهود و طرفین دعوا نیز وارد است و تا حدی آنها را از خطا و دروغ، به دور نگاه می‌دارد. با این اوصاف با وجود دادرسی الکترونیک به نحوی که مردم را از شرکت در دادرسی بازداشته شوند، فلسفه علنی بودن دادگاهها زیر سوال می‌رود و این اصل قدیمی که امروزه نیز می‌تواند دارای کاربرد باشد، متروک می‌ماند.

در این زمینه پیشنهاد می‌شود که اصل مشاهده دادرسی از طریق اینترنت امری موازی در کنار امکان حضور فیزیکی مردم در دادگاه باشد. به عبارت دیگر نباید به بهانه اینکه امکان مشاهده از طریق اینترنت وجود دارد، حضور فیزیکی مردم با ممنوعیت مواجه شود. البته باید توجه داشت که همانطور که در دادرسی سنتی نیز در برخی موارد خانوادگی یا امنیتی امکان حضور فیزیکی افراد نیست در دادرسی مجازی نیز باید این مساله رعایت شود.

۱-۲- عیوب مرتبط با دادرسی غیر حضوری

در اینجا ما صراحتاً با اصولی مانند آنچه که فوقاً گفته شد روبرو نیستیم؛ در عوض ایراداتی به جهت غیر حضوری شدن دادرسی بوجود می‌آید که به آنها اشاره می‌شود. در ایرادات ذیل، وضعیت به متهمی برمی‌گردد که در زندان می‌باشد و قرار است به جرم او از طریق ویدئوکنفرانس رسیدگی شود. در مورد این فرد در دو وضعیت تعیین قرار تامین و تعیین مجازات مناسب مشکلاتی در صورت اجرای ویدئوکنفرانس پیش می‌آید.

۱-۲-۱- ایراد مرتبط با قرار تأمین

همانگونه که ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک ایران و بسیاری کشورها اعلام می دارد: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر کند...». همانطور که ملاحظه می شود اولاً تشخیص مواردی مثل لزوم جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی، مصادیقی می باشند که نیاز به حضور فیزیکی متهم دارند؛ زیرا به حالات متهم بستگی دارند. ثانیاً همانطور که در ذیل ماده، انواع قرارها اعم از وثیقه یا بازداشت تعیین گردیده، صدور هر کدام از این موارد که برخی شدید و برخی خفیف هستند؛ (به عبارتی برخی، فرد را آزاد نموده و برخی آزادی او را محدود می کنند) بستگی به این دارد که متهم چه شخصیتی دارد و آیا فرضاً ملتزم به این می گردد که در روز محاکمه حاضر گردد. تشخیص این موارد نیز یک امر کیفی است و نیاز به حضور فیزیکی دارد. ماده ۱۳۴ می گوید: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد». واژه «وضعیت مزاج» کاملاً گویای مطلبی است که بیان شد و این ماده با صراحت بیشتری مطلبی را که در توضیح ماده ۱۳۲ گفتیم؛ تکرار می کند. از نظر حقوق ایران و نه صرفاً فقه «وقتی می توان از متهم تأمین گرفت که دلیل و قرینه کافی بر ارتکاب بزه و انتساب آن به شخص مورد تعقیب وجود داشته باشد و الا باید از آن صرفنظر گردد؛ زیرا وقتی برای احضار متهم باید به اندازه کافی دلیل وجود داشته باشد، برای اخذ تأمین به طریق اولی باید دلیل کافی در دست داشته باشیم. بنابراین در صورت وجود دلیل کافی، باید بررسی شود که آیا صدور قرار تأمین اجباری است یا نه؟». (آخوندی، آیین دادرسی کیفری ۱۴۲/۲) یکی از «دلایل» نیز می تواند قوت یا ضعف کلماتی باشد که متهم در دفاع از خود می گوید. جزئیات رفتار متهم که بررسی شد، همه می توانند صدق یا کذب اظهارات وی را تایید کنند و به عنوان اماره ای برای تاثیرگذاری بر ذهن قاضی مورد استفاده قرار بگیرند و در نهایت قاضی را مجاب کنند که آیا با این اوضاع، دلایل کافی برای ارتکاب جرم از ناحیه متهم وجود دارد یا نه. از طرف دیگر همانگونه که همه ما در زندگی شخصی خود نیز تجربه کرده ایم، برخی موضوعات مهم را از طریق تلفن و یا تکنولوژیهای اینچنینی نمی توانیم به مباحثه بگذاریم و نیاز به ارتباط حضوری با فرد مخاطب داریم؛ زیرا بسیاری از حالات روحی و روانی، فقط از طریق تماس چهره به چهره منتقل می شوند. همین مساله در مورد متهم نیز صادق

است و تکنولوژی مانع است تا با آزادی کامل بتواند دلایلی را بیاورد که بی گناه بوده و نباید در مورد او بازداشت صادر شود. حتی ایما و اشارات صورتی متهم و حسی که در مواجهه حضوری می تواند به قاضی منتقل کند، در ویدئوکنفرانس با نقص همراه است. به ویدئوکنفرانس در رسیدگی به اتهام متهمی که در زندان است و به اتهام او از طریق صفحه نمایش رسیدگی می شود، همین ایرادات وارد است.

از طرفی وی (متهم) به راحتی می تواند در حضور فیزیکی با دوستان و خانواده خود که در دادگاه هستند رایزنی کند و آنها به نوعی به همراه وکیل، قاضی را مجاب کنند که متهم حتماً در جلسات دادگاه حاضر می شود و آنها حاضرند تضمینهایی را بپردازند تا متهم بازداشت نشود که این امر نیز نیاز به حضور فیزیکی دارد یا حداقل اینکه اگر حضور فیزیکی نباشد؛ انجام چنین کارهایی سخت می شود. (Criminal Justice and

Vide Conferencing Technology, Bowen Poulin /1147)

از نظر فقهی ممنوعیتی راجع به گرفتن وثیقه وجود ندارد، ولی باید توجه داشت که مستند به روایات مختلفی، قرار بازداشت در مورد متهم نمی توان صادر کرد، جز در مورد دعوی قتل عمد. از جمله صاحب جواهر می گوید: «ظاهر روایات، اختصاص به اتهام قتل دارد و در مورد جراحات این حکم اجرا نمی شود؛ پس از آنجایی که این مساله خلاف اصل است لازم است که به مورد خود روایات عمل شود». (جواهر الکلام/۴۲/۲۷۶) با این وصف، بررسی اوضاع ظاهری متهم که در ویدئو کنفرانس تا حدی مشکل است؛ در زمینه صدور قرار بازداشت از نظر فقهی، سالبه به انتفاع موضوع می باشد؛ فقط در انتخاب سایر قرارهای تامین، مانند کفالت و وثیقه است که ارزیابی رفتار و گفتار متهم در حضور فیزیکی برای انتخاب نوع قرار، دارای اهمیت است.

قبل از اینکه ما پیشنهادی در مورد رفع این ایراد ذکر کنیم؛ یادآور می شوم که این نوع از دادرسی غیر حضوری (یعنی وضعیتی که در آن متهم به طور غیر حضوری مورد رسیدگی قرار می گیرد) موضوعی است که کمتر مورد استفاده در محاکم بوده است. علت آن نیز واضح است زیرا اگر ما اغماضهایی را در مورد شهادت غیر حضوری داشته باشیم؛ این اغماضها در مورد متهم کمتر است. متهم به عنوان فردی که نتیجه دادرسی متوجه اوست، حساسیت بیشتری برای او در روند دادرسی متصور می باشد.

ویدئو کنفرانس برای قاضی، هیأت منصفه و دیگران که بارها در دادگاه آن را تجربه نموده اند؛ استرس خاصی ندارد ولی همین تکنولوژی برای متهم که برای بار اول آن را تجربه می کند، دارای اثر روانی است و برای او ایجاد استرس می نماید. از طرف دیگر راجع

به حضور فیزیکی در دادگاه گفته شده که دارای اثردهی خاصی است که در ویدئو کنفرانس دیده نمی شود. ساختار ظاهری دادگاه و ترتیبی که شرکت کنندگان در دادرسی از جمله دادستان، قاضی، هیأت منصفه، حضار و ... در ردیف ها و صندلی های خود نشسته اند؛ انتقال دهنده احساس حاکم بر دادگاه می باشد و چه بسا خود، قاطعیت و جذب نظام قضایی را منتقل می کند؛ به این ترتیب چنین وضعی در مورد محیط زندان وجود ندارد و اینکه متهم موارد مذکور را صرفاً از طریق یک صفحه نمایشگر می بیند، دارای چنین تأثیری که گفته شد، نمی باشد. (Bowen Poulin, op cit 1133-1134)

با این وجود پیشنهاد می گردد که در صورت نیاز به این نوع از دادرسی باید موارد آن محدود باشد و در ضمن تا آنجا که امکان دارد از نوعی تکنولوژی استفاده شود که ایرادات را به حداقل برساند. همچنین برای متهم در زندان نیز (علاوه بر دادگاه) وکیلی تعیین گردد تا در حین دادرسی به راحتی بتواند با او مشورت و رایزنی کند.

۱-۲-۲- ایراد مرتبط در تعیین مجازاتها

در مرحله تعیین مجازات، موضوعاتی مانند تشدید، تخفیف، تعلیق، آزادی مشروط، تبدیل و مانند آن مطرح است. به عبارت دیگر، اصل فردی کردن مجازاتها مستلزم این است که قاضی بتواند با توجه به نوع شخصیت متهم، برای او مجازاتی متناسب را تعیین کند. گاهی مجرم دارای حالات خطرناکی است که باید حداکثر مجازات برای او اعمال گردد. گاهی نیز به جهت شخصیت اخلاقی وی، لازم است تا ملایمت نسبت به او اعمال گردد. در برخی موارد نیز مجازات مقرر در قانون با روحیات متهم همخوانی ندارد و برای اصلاح بهتر او باید مجازات از نوع دیگر در نظر گرفته شود (تبدیل). همه این موارد مستلزم این است که قاضی به طور حضوری با متهم تماس برقرار کند تا وضعیت جسمی، روحی و شخصیت اخلاقی او را بیشتر مورد بررسی قرار دهد. در نتیجه ویدئو کنفرانس این امکان را از قاضی می گیرد و قدرت سنجش او را کاهش می دهد. برای مثال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می گوید: «دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدانه را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از: ... ۵. وضع خاص متهم یا سابقه او...». شاید برای فهمیدن این «وضع خاص» دیدن چهره و وضع ظاهری متهم از نزدیک ضروری باشد. حقوقدانان کیفری نیز در این مورد موقعیت فردی و اجتماعی و اینکه فرد احساس ندامت

داشته یا نه و در برخی موارد بررسی آشنایی یا جهل متهم را به قوانین در احراز شرط پنجم موثر دانسته اند. (گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی/۳۸۵) در این ایراد نیز چون مشکل ناشی از نوعی دادرسی غیر حضوری در مورد متهم می باشد همان پیشنهادات موجود در بحث قرار تامین توصیه می گردد.

۱-۳- عیوب امنیتی

منظور از امنیت، مواردی می باشد که در یک دسته ممکن است پرونده های موجود در اینترنت، معدوم یا مخدوش شوند و در دسته دیگر، امکان فاش شدن مشخصات خصوصی افراد باشد.

۱-۳-۱- امکان مخدوش شدن اطلاعات

در این قسمت چند موضوع قابل تامل است. اولین مطلب در مورد امکان «جعل الکترونیکی»^۱ می باشد. یعنی وقتی ما بپذیریم که عنوانی مانند دادرسی الکترونیک وجود دارد؛ به مرور ادله الکترونیکی از جمله CD یا حافظه های الکترونیکی که در بردارنده محتوای اثبات کننده موضوعات مدنی و کیفری هستند، نیز پدیدار می گردد. در مورد این ادله نیز، امکان جعل وجود دارد. یعنی ممکن است اقرار مندرج در آنها یا فیلمی که از تصویر یک سارق است؛ ساختگی باشد. با این اوضاع، نیاز هست تا با این پدیده (جعل الکترونیکی) که نتیجه روی کار آمدن فرایند دادرسی الکترونیک می باشد، با استفاده از کارشناسان مربوط، به نحو مقتضی برخورد کرد. البته بحث جعل در ادله، بحث جدیدی نیست؛ یعنی در ادله سنتی که عمدتاً بر روی کاغذ مکتوب می باشند، نیز ما با عنوان جعل روبرو هستیم؛ اما شناسایی آن جعل، به ظرافت و دقتی که در ادله الکترونیکی رخ می دهد؛ نیست. بخصوص گاه این جعل در مطالبی می باشد که در حین دادرسی اظهار شده و ثبت گردیده؛ یعنی همچنان که قبلاً گفته شد یکی از موضوعاتی که در دادرسی الکترونیک مطرح می گردد، موضوع پرونده های الکترونیک می باشد که یک جزء آن مجموع مذاکرات و صحبت های انجام شده در حین دادرسی است. این پرونده ها نیز همانگونه که گفته شد در اینترنت قرار می گیرند. با این اوصاف ممکن است افرادی با انجام جعل یا «حک الکترونیکی»^۲ آنها را که

^۱ Digital Alteration or Fabrication
2-Hacking

چه بسا در بردارنده اقرار، نظر کارشناس و سایر ادله الکترونیکی هستند، مورد خدشه قرار دهند. یعنی بحث جعل علاوه بر اینکه راجع به مدارکی است که طرفین به دادگاه تقدیم می کنند، بلکه شامل مدارکی نیز می باشد که در حین دادرسی (مانند اقرار یا نظر کارشناسی و سایر جزئیاتی که می تواند له یا علیه طرفین باشد) بدست آمده و در سایت مربوطه قرار گرفته و ممکن است مورد «استراق سمع»^۱ یا تغییر قرار گیرند. پیشنهاد ما برای این قسمت اینست که با استفاده از تکنولوژیهای قوی، امکان دسترسی افراد به این فایلها به حداقل برسد. به هر حال ما نمی توانیم به خاطر وجود چنین ایراداتی، اصل استفاده از فایلهای الکترونیکی را زیر سوال ببریم؛ باید چاره ای اندیشیده شود و بهترین آن نیز استفاده از تکنولوژیهایی است که کمتر قابل نفوذ می باشند.

۱-۳-۲- حریم خصوصی

به موجب حقی که برای مردم در خصوص نظارت بر رفتار دولت (دولت در معنای عام آن که شامل قوه قضائیه نیز می شود) وجود دارد، در بسیاری از کشورها از جمله آمریکا قوانینی وضع شده که مردم و عموم افراد بتوانند به پرونده های قضایی دسترسی داشته باشند. از جمله این قوانین «قانون دولت الکترونیک مصوب ۲۰۰۲»^۲ می باشد که در آن مقرر شده تا امکان دسترسی و نظارت بر رفتار دولت از طریق اینترنت مهیا باشد. به موجب این مقرر، عموم افراد می توانند از طریق اینترنت به موضوعات دفتر ثبت دعاوی، همه پرونده های الکترونیک و نظریات دادگاه، دسترسی داشته باشند. حق شناخته شده با حق دیگری تعارض داشت که آن نیز حریم خصوصی^۳ بود. متعاقب این امر، قوانینی تصویب گشت که در آنها برخی موارد را از دسترسی عمومی، استثنا نمود. به موجب «قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال»^۴ و «قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال»^۵ که از اول دسامبر سال ۲۰۰۷ اجرایی گشتند، موارد ذیل از دسترسی عمومی خارج شدند: شماره ملی - امنیتی، شماره شناسایی مودیان مالیاتی، تاریخ تولد، نام افراد و آدرس منزل (به جز شهر و ایالت). (E-
filing and privacy, Hulse/14-15

1-Eavesdropping

2-E-Government Act 2002.

3-Privacy

4-Federal Rule of Civil Procedure 5.2, Federal Rule of Criminal Procedure 49.1

5-Balancing Party Privacy with Public Access

این موضوعی است که برخی از آن به توازن میان «حریم خصوصی» و «دسترسی عمومی» یاد کرده اند. به موجب نظر این عده، برای رفع معزل افشای اطلاعات خصوصی افراد، می توان اطلاعات خصوصی افراد را در بخش عمومی اینترنت قرار نداد تا افکار عمومی جامعه صرفاً متمایل به جریان دعوا باشد و نه مشخصات افراد و اگر فردی با انتشار آن رضایت داشت، می تواند به طور کتبی رضایت نامه مربوطه را امضاء کند. (Ponte, 2008: 84-85) در نهایت می توان گفت آنچه که ما به عنوان عیب دادرسی الکترونیک مطرح نمودیم با رعایت اصولی که ذکر شد، می تواند از محدوده عیوب خارج شود.

۲. مزایا

همانند عیوبی که برای دادرسی الکترونیک وجود دارد، مزایا و محسناتی نیز برای آن متصور است. این مزایا در زمینه های مختلف قابل رویت است و بعد از عقب گردی که با توجه به معایب بوجود آمد تا حدی آنها ما را برای پذیرش دادرسی الکترونیک به پیش می رانند. اما اینکه بالاخره با توجه به این معایب و محاسن، کدامیک بر دیگری غلبه دارد، امری است که در نتیجه گیری معلوم می شود.

۲-۱- در ارتباط با شهادت مجازی

هرچند که در بحث شهادت مجازی گفته شد که عدم رعایت «شرط مواجهه» از معایب دادرسی الکترونیک می باشد؛ اما باید توجه داشت که در مواردی که کم نیز نیستند، دادرسی الکترونیک می تواند در این بعد دارای مزایایی باشد. یعنی گاهی شهادت به دلیلی که ذیلاً می آید، نمی تواند حضوری صورت گیرد و دادرسی الکترونیک، شهادت غیر حضوری را میسر می کند و مانع متوقف شدن دادرسی می شود.^۱ به موجب قاعده ۱۵ آیین دادرسی

۱- شهادت از نظر فقه اسلامی نیز دارای اهمیت بالایی است و توصیه های زیادی شده که در ادای آن کوتاهی نشود. از جمله در حدیثی از امام رضا ذکر شده: «اگر کسی از تو درخواست شهادت دادن کرد شهادت بده، همانا خداوند متعال فرموده که امانات را به اهلش برگردانید و کسی که کتمان شهادت کند ظلم کرده است». الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، جلد ۱، تهران، المکتبه السلامیه، چاپ ششم، ۱۳۶۷، ص ۱۲۰. از نظر فقهای شیعه شهادت یک تکلیف و ادای آن واجب شمرده شده است. حلی، جعفر بن حسن، شرایع السلام فی مسائل حلال و الحرام، ترجمه: ابوالقاسم ابن احمد، انتشارات دانشگاه تهران، جلد چهارم، چاپ پنجم، ۱۳۷۲، ص ۱۳۸. با این تأکیدات پذیرش ویدئو کنفرانس در حقوق ایران در قوانین آینده نمی تواند با مانع فقهی جدی مواجه باشد، زیرا آنچه واضح است اینکه از نظر فقهی نیز آنچه مهم است ابراز شهادت

فدرال آمریکا^۱، بحث شده که اصل بر شهادت حضوری است جز در موارد استثنایی که این موارد استثنایی نیز در پرونده های مختلف بررسی شده است. یکی از این موارد «حمایت از شاهد» می باشد. پرونده هایی وجود دارد که در آنها بر مبنای دلایل حمایت از شاهد که عموماً نیز اطفال بزه دیده از جرم می باشند، شهادت مجازی پذیرفته شده است. اهمیت این موضوع تا آنجاست که طبق یک نقل و قول در سال ۱۹۸۵ در اکلاهما ۵۴۰۰ سوء استفاده جنسی از اطفال گزارش شده است. (Criminal procedure: closed circuit testimony of child victim, curtis/69)

به منظور تشریح بیشتر مواردی که در آنها از داری الکترونیک در حوزه شهادت استفاده شده، به برخی پرونده ها اشاره می شود. در اکثر این پرونده ها شهادت مجازی، علاوه بر رعایت شرط مواجهه، به دلیل «حمایت از طفل» پذیرفته شده است. در پرونده ای^۲ راجع به تجاوز جنسی به یک طفل، ویدئوی یک طرفه مطرح شد^۳ و متهم نسبت به محکومیت و عدم مواجهه فیزیکی اعتراض نمود و رأی محکومیت در تجدید نظر لغو شد^۴. دو سال بعد در پرونده ای دیگر^۵ مواجهه غیرفیزیکی پذیرفته شد. (پرونده تجاوز جنسی به طفل همانند پرونده ی قبلی) (Going too Far in United States v. Yates, Rocha/371) علت آن نیز «سیاست عمومی»^۶ اتخاذی در این زمینه اعلام شد. یعنی گفته شد که علاوه بر نظر قبلی دیوان عالی در پرونده Coy در پرونده حاضر، نظر مخالف داده می شود؛ به دلیل وجود خط مشی و سیاست قضایی اتخاذی ذکر شده که عمده آن «حمایت از طفل می باشد» تا صدمات روحی بیشتری نبیند. در پرونده^۷ دیگر (تجاوز جنسی

برای احقاق حق می باشد و صورت و ظاهر آن جز در مواردی که در این مقاله آمده از اهمیت بالایی برخوردار نیست..

¹-Rule 15 of the Federal Rules of Criminal Procedure

²-Coy v. Iowa 1988

^۳- منظور از این روش همان one way video یا Closed-Circuit Television می باشد که در آن فقط حضاران در دادگاه، شاهد را می بینند و شاهد آنها را نمی بیند.

^۴- این پرونده از موارد معدودی است که در آن عدم رعایت شرط مواجهه موجب نقض حکم محکومیت گشت.

⁵Maryland v. Graiy

⁶Public Policy

⁷-US v. Carrier 1993

به سه دختر جوان) به دلیل ترس مجنی علیه از حضور در مقابل متهم، «ویدئویی دو طرفه»^۱ در دادگاه بدوی و تجدید نظر پذیرفته شد. همچنین در موردی دیگر^۲ مردی متهم به قتل غیر عمدی اختیاری^۳ سه دختر خود شد و از ویدئوی دو طرفه استفاده شد و مراجع بدوی و تجدیدنظر محکومیت را تأیید نمودند. در موردی دیگر نیز^۴ فردی متهم به ربودن یک پسر ۱۱ ساله و ۲ ساله و تجاوز به آنها شد و مانند پرونده قبل تصمیم صورت گرفت. (Ibid/374-375) در سه پرونده اخیر استدلال شد که همانند پرونده «گری» به جهت حمایت از طفل، جهت جلوگیری از آسیب روانی اضافی،^۵ شهادت از راه دور مورد پذیرش می باشد.^۶

گاهی نیز شهادت مجازی به جهت دوری راه یا به جهت بیماری و حضور در بیمارستان یا مواردی مانند این مطرح می شود. در پرونده ی^۷ فردی متهم به سرقت از یک زوج آرژانتینی در نزدیکی فرودگاه میامی شد. دادگاه برای شهادت بزه دیدگان، ویدئوی دو طرفه را پذیرفت با این استدلال که یکی از قربانیان از سلامت کمی برخوردار است (و امکان مسافرت مجدد به آمریکا را ندارد). و دیگر اینکه هر دو بزه دیده در کشور دیگری سکونت دارند و به جهت مشکلات روادید، قادر به آمدن به آمریکا نیستند. پرونده با اعتراض متهم (بعد از صدور حکم محکومیت) به خاطر عدم رعایت شرط مواجهه، به دیوان عالی رفت. دیوان عالی استثنا موجود در قانون برای پذیرش شهادت مجازی را در این پرونده، بنا به دلایلی موجود دانست: ۱. شاهد در خارج از حوزه اقتدارات دادگاه برای احضار سکونت دارد (سکونت در کشور دیگر) ۲. بیماری یکی از شهود ۳. ضروری بودن شهادت این دو نفر در

۱- منظور از این روش (Two-Way Video) اینست که همزمان شاهد و افراد حاضر در دادگاه بتوانند یکدیگر را ببینند.

2-US v. Quintero 1994

3-Voluntary Manslaughter

4-US v. Weekely

۵- برخی از نویسندگان هدف را در چنین پرونده هایی جلوگیری از «بزه دیدگی مجدد طفل» دانسته اند رک: Hudspeth, Nicole, Remote testimony and executive order 13430: a missed opportunity, vol 57, naval law review, 2009, p310.

۶- متهم می تواند از حق مواجهه چشم پوشی کند. رک:

Kay, curtis, criminal procedure: closed circuit testimony of child victim, Vol 40, Oklahoma law review, 1987, p 82

7-Harrell v. Butter worth 2001

این پرونده. دیوان استدلال کرد این سه دلیل با «خط مشی قضایی»^۱ مرتبط می باشد.^۲
(Ibid/378-380)

۲-۲- دومین فایده در پرونده های الکترونیکی اینست که پرونده ها حجم کمی را می گیرند و احتمال مخدوش شدن یا گم شدن آنها کمتر می شود. همین مورد می تواند به طور مستقیم به پیشرفت روند عدالت قضایی کمک بیشتری بنماید و از بی اعتمادی عموم به دستگاه قضایی، بکاهد.

۳-۲- سومین فایده سهولت دسترسی به پرونده ها و محتوای آنها می باشد. یعنی اگر قرار باشد کلمه ای یا اسم فردی را در بین پرونده ها جستجو کنند، در سیستم الکترونیک این امر ساده تر است؛ به این ترتیب باز هم از اتلاف وقت و هزینه جلوگیری می شود.

۴-۲- دادرسی الکترونیک می تواند برای جلوگیری از اتلاف وقت دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده های کوچک مورد استفاده باشد. برای مثال دعاوی راهنمایی و رانندگی که جزء پرونده های کوچک هستند از دو جهت می تواند به طور الکترونیکی رسیدگی شود. اول اینکه اگر شاکی نسبت به تصمیم پلیس در صدور جریمه شکایت دارد، می تواند بدون حضور فیزیکی در دادگاه، دعوايش را طرح کند و مامور پلیس نیز بدون حضور در دادگاه، به ادعای او پاسخ الکترونیکی دهد. دوم اینکه اگر فرد محکوم شد، به طور الکترونیکی بتواند جریمه را بپردازد. (Lederer, Op cit/838) به این ترتیب وقت بیشتری برای دعاوی کیفری مهم مانند قتل، سرقت و... باقی می ماند و تمرکز دستگاه قضایی نیز در دعاوی اخیر بیشتر می شود.

۵-۲- گفته شد که دادرسی الکترونیک در مفهوم عام و گسترده آن شامل تاسیس سایتهای حقوقی نیز می باشد. با ایجاد این سایتهای مخصوص در نظامهای حقوقی کامن لا، قضات با آگاهی از آراء پیشین، بهتر می توانند در مورد پرونده های کنونی تصمیم گیری کنند. وکلا نیز با خواندن پرونده های مشابه می توانند در مورد پرونده حاضر، لایحه بهتری

1-Public Policy

۲- در واقع در اینجا به نوعی دلایل اقتصادی نیز وجود دارد؛ زیرا هزینه رفت و آمد از یک کشور به کشور دیگر بالاست. در مورد متهمین نیز همین دلیل قابل اعمال است. در پرونده ای که علیه تد کازینسکی مطرح شد؛ وی متهم به قتل درجه یک گردید. قرار بود وی در دادگاه نیوجرسی محاکمه شود که از محل زندانی شدن او در کالیفرنیا بسیار دور بود. هزینه انتقال او به دادگاه ۳۰ هزار دلار پیش بینی شد که با انجام ویدئو کنفرانس به ۴۵ دلار کاهش یافت. همین موضوع در مورد شاهد نیز قابل طرح است. رک:

را بنویسند. دانشکده های حقوق نیز با دسترسی بیشتر و بهتر به پرونده های موجود در سایتها، می توانند به تجزیه و تحلیل آنها بپردازند و به پیشرفت علم حقوق کمک بیشتری بنمایند.

۲-۶- فایده دیگر کوتاه شدن مدت دادرسی می باشد. همانگونه که می دانیم یکی از عیوب نظام دادرسی، تطویل دادرسی است. طولانی شدن فرایند رسیدگی، منجر می شود تا شاکی تشفی خاطر پیدا نکند و متهم نیز تکلیف خود را نداند. هر چند برای چنین معضلی مواردی مانند مرور زمان پیش بینی شده است؛ ولی باید توجه داشت «مرور زمان تعقیب» و «مرور زمان اجرا» راه حل مناسبی برای ضمانت اجرای تطویل دادرسی نیست؛ زیرا به هر حال دادرسی طولانی اثرات منفی خود را دارد. با به کارگیری دادرسی الکترونیک، تا حد زیادی این فرایند کوتاه تر می شود. دادخواستها و شکایات زودتر ثبت می شوند و رفت و آمد اضافی، که خود عامل کندی مراحل دادرسی است، کاهش می یابد. برای مثال اگر متهم مریض باشد از همان بیمارستان به اتهام او رسیدگی می شود و به جهت غیبت او، دادرسی به تاخیر نمی افتد.

۲-۷- فایده دیگر ۲۴ ساعته بودن این دادگاههاست. (Ponte, op cit/64) در دادگاههای عادی مراجعه به دادگاه فقط در ساعات اداری و روزهای غیر تعطیل ممکن است؛ پس در مواردی غیر از ساعات و روزهای مذکور، امکان ثبت دادخواست یا شکایت و انجام امور اینچنینی وجود ندارد؛ در حالیکه در دادگاههای مجازی در هر ساعتی از شبانه روز، می توان به اموری که از طریق مراجعه غیر حضوری (الکترونیک) مقدور است؛ دست زد. همین امر باعث می شود تا در روزهایی که دادگاه باز می باشد حجم مراجعین کاهش یابد؛ زیرا بسیاری از آنها در ساعات غیر اداری، کار خود را انجام داده اند.

۲-۸- فایده دیگر، دسترسی راحت تر و سریعتر رسانه ها به اطلاعات دادگاه از طریق اینترنت، ضمن حفظ حریم خصوصی افراد می باشد. (Ibid/85) همانطور که می دانیم یکی از وظایف رسانه ها، اطلاع رسانی به مردم در موضوعات مختلف از جمله کارکرد دستگاه عدالت قضایی می باشد. به این ترتیب با وجود دادگاههای الکترونیک، این اطلاع رسانی هم سریعتر و هم راحت تر صورت می گیرد و مردم سریعتر و بهتر از جریان یک پرونده آگاه شده و نسبت به آن واکنش نشان می دهند. به عبارتی دیگر با وجود دادرسی الکترونیک افکار عمومی سرعت عمل بیشتری در رابطه با وظایف دولت خواهند داشت.

نتیجه گیری

به مانند سه بخشی که بیان شد می توان سه نتیجه گیری را عنوان نمود. از نظر مفهوم آنچه که واضح است این می باشد که تعریف دادرسی الکترونیک ابتدا توسط دکترین و سپس توسط مقنن تبیین می گردد. با انجام یک تعریف صحیح می توان محدوده ای را که این نوع از دادرسی در آن قرار می گیرد معین نمود و کار دادگاهها و طرفین دعوا را در مواجهه با آن آسان تر نمود. به عبارت دیگر برای اینکه بتوانیم حوزه های دادرسی الکترونیک را که در بخش دوم آمده، معین نماییم نیازمندیم که ابتدا تعریف درستی از مفهوم دادرسی الکترونیک به دست دهیم. به همین نحو در بخش دوم ما با این چالش روبرو بودیم که چه موضوعاتی داخل دادرسی الکترونیک قرار می گیرد. با معین شدن این امر از دو جهت آسوده خاطر خواهیم شد. اول اینکه قانونگذار را در قانون نویسی و فصل بندی کتاب قانون خود یاری خواهیم نمود تا حوزه های تقنینیش معین گردد. دوم اینکه با معین شدن این حوزه ها، ما می توانیم موضوعات را با توجه به درجه اهمیت تقسیم بندی نموده و در نقد و بررسی آنها این امر را لحاظ کنیم؛ کاری که در بخش سوم انجام می شود. در نهایت در بخش سوم این موضوع مورد نظر است که هر نوع از دادرسی بر اصولی استوار است. برای مثال در دادرسی سنتی ما با شرط مواجهه روبرو هستیم که غیر قابل انکار است. سوال اینست که با الکترونیکی شدن دادرسی آیا این اصول قابل رعایت هستند؟ از طرف دیگر ما به غیر از این مورد با مزایایی روبرو هستیم که ما را در پذیرش این نوع از دادرسی ترغیب می کند. برای مثال جلوگیری از تطویل دادرسی یکی از آن موارد است. به طور خلاصه نظام دادرسی الکترونیک دارای معایب و مزایایی است که در هر قسمت باید به طور مجزا مساله را مورد سنجش قرار داد. این نظام می تواند دادرسی را تسریع کند؛ نیاز به حضور فیزیکی را کاهش دهد و به طور کل در جهاتی عدالت قضایی را میسرتر نماید. اما باید توجه داشت، در برخی موارد نیز از جمله در آن قسمت هایی که بخصوص در امور کیفری دیدن حرکات و ظواهر متهم یا شاهد، می تواند صحت و سقم حرفهای آن ها را معین کند، ما نمی توانیم با پذیرش بی حد و حصر دادرسی الکترونیک، به صورت یک دستگاه و به طور خودکار عمل کنیم. این نتیجه ای است که از بخش سوم می توان گرفت.

در نهایت نتیجه قابل حصول از سه بخش این است که نفی یا پذیرش مطلق دادرسی الکترونیک، امر صحیحی نیست. همه نظامهای حقوقی از جمله کشور ایران، می توانند به صورت گام به گام و تدریجی این نوع از دادرسی را وارد دستگاه قضایی کنند. چه بسا می

توانند این را به صورت آزمایشی در چند دادگاه بپذیرند (مانند دادگاه میسیگان) و سپس با رفع ایرادات آن، به دادگاه‌های بیشتری تعمیم دهند. این کاری است که در کشور آمریکا صورت گرفته و در برخی کشورها از جمله سنگاپور نیز در حال انجام است. به تدریج سایر کشورها از جمله ایران نیز می‌توانند با استفاده از تجربه آن کشورها و با انجام مطالعاتی در مراکز حقوقی، به طور پله پله آن را بپذیرند؛ ضمن اینکه شرایط بومی و قوانین داخلی کشور را در زمینه‌های مرتبط در نظر بگیرند و به یاد داشته باشند که همگام با ورود این نوع از نظام دادرسی، باید قوانین خاص آن نیز وضع شود و برخی قوانین فعلی نیز تغییر یابد؛ کاری که در کشورهای پیشگام انجام گرفته و در حال حاضر نیز در حال انجام می‌باشد.

منابع

- ۱- آخوندی، محمد، *آئین دادرسی کیفری*، ج ۲، چ ۸، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۱- الحر العالمی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، ج ۱، چ ۶، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چ ۹، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳- گلدوزیان، ایرج، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- ۴- حلی، جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ترجمه‌ی ابوالقاسم ابن احمد یزدی، ج ۴، چ ۵، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۵- شهید اول، *اللمعه‌الدمشقیه*، چ ۲، نشر یلدا، تهران، ۱۳۷۴.
- ۶- قرجه‌لو (مهرافشان)، علی‌رضا، *شهادت بر شهادت در حقوق کیفری ایران و انگلیس*، مجله‌ی دانشگاه رضوی، انتشارات مؤسسه فرهنگی قدس، شماره ۲۸، سال هشتم، تابستان ۱۳۸۷.
- ۷- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، الطبعه السادسه، طهران، دارالکتب الاسلامیه، ۳۹۸ ق.
- 8-Argyle, Michael, *Bodily communication*, 2nd edition, Published in USA, Methuen & co.LTD, 1988.
- 9-Bowen Poulin, Anne, *Criminal Justice and Videoconferencing Technology: Remote Defendant*, Vol 78, Tulane Law Review, 2003-2004.
- 10-Brian, Murray, *Confronting Religion: Veiled Muslim Witnesses and the Confrontation Clause*, Vol 85, Notre Dame Law Review, 2009-2010
- 11-Friedman, Richard, *Remote Testimony*, Vol 35, University of Michigan Journal of Law Reform, 2001- 2002.
- 12-Haas, Aron, *Videoconferencing in Immigration Proceeding*, Vol 5, Pierce Law Review, 2006-2007.
- 13-Hudspeth, Nicole, *Remote testimony and Executive Order 13430: a Missed Opportunity*, Vol 57, Naval Law Review, 2009

- 14-Hulse, Rebecca, *E-filing and Privacy What Every Lawyer Needs to know*, Vol 24, Criminal Justice, 2009-2010.
- 15-Kay, Curtis, *Criminal Procedure: Closed Circuit Testimony of Child victim*, Vol 40, Oklahoma Law Review, 1987.
- 16-Lederer, Feredric, *The Road to the Virtual Courtroom? A Consideration A Consideration of Today's - and Tomorrow's - High-Technology Courtroom*, Vol 50, South Carolina Law Review, 1998-1999.
- 17-Ponte, Lucille, *The Michigan Cyber Court: a Bold Experiment in the Development of the First Public Virtual Courthouse*, Vol 4, North Carolina Journal of Law & Technology, 2002-2003.
- 18-Rocha, Michael, *Going too Far in United States v. Yates : The Eleventh Circuit's Application of Maryland v. Craig to Tow-Way Videoconferencing*, Vol 36, Stetson Law Review, 2006-2007.
- 19-Roth, Michael, *Laissez-Faire Videoconferencing: Remote Witness Testimony and Adversarial Truth*, Vol 48, Ucla Law Review, 2000.
- 20-Salamone, Chris, *Videotaped Trial Court Proceeding: The Potential Effect on Appellate Review of Credibility Determinations*, Vol 11, Nova Law Review, 1986-1987.
- 21-Stanfield, Alison, *Cyber Court: Using the Internet to Assist Court Processes*, Vol 8, Journal of Law and Information Science, 1997.
- 22-Toussiant, Edward, *Minnesota Court of Appeals Hears Oral Argument via Interactive Teleconferencing Technology*, Vol 2, the Journal of Appellate Practice and Process, 2000.
- 23-Treadway, Molly and Wiggins, Elizabeth, *Videoconferencing in Criminal Proceedings: Legal and Empirical Issues and Direction for Research*, Vol 28, Law and Policy, 2006.
- 24-<http://fa.wikipedia.org>.